

نویسنده: اندریو کوریبکو «Andrew Korybko».
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2024-11-10».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

طرح صلح ترامپ: ساعت برای روسیه به
غرض دستیابی به حداکثر اهداف اش در
اختلاف و مناقشه اوکراین در حال حرکت است

*Trump's Peace Plan : The Clock Is
Ticking for Russia to Achieve Its
Maximum Goals in the Ukrainian
Conflict*



برنامه گزارش شده ترامپ برای مأموریت حفظ صلح **غرب/ ناتو** در اوکراین، روسیه را در دوراهی قرار می دهد که یا با یک حمله گسترده سراسری دیگر، آن نیروها را پس از ورود به جنگ جهانی سوم هدف قرار دهد یا به طور ضمنی این پایان بازی را بپذیرد.

گزارش وال استریت ژورنال مبنی بر اینکه طرح صلح ترامپ برای اوکراین ایجاد یک منطقه غیرنظامی (800) مایلی را پیش بینی می کند که توسط اروپایی ها گشت زنی می شود، فوریت زیادی به مبارزه تقریباً (1000) روزه روسیه برای دستیابی به حداکثر اهدافش در این درگیری می افزاید. ورود احتمالی نیروهای متعارف **غربی/ ناتو** به اوکراین به عنوان نیروهای حافظ صلح، روسیه را در دوراهی پذیرش یک «خط قرمز» دیگر قرار می دهد که با پذیرش حضور آنها، جنگ جهانی سوم را به خطر می اندازد.

روسیه برای تازه کردن خاطرات همه از زمان شروع عملیات ویژه، رسماً قصد دارد: (1) غیرنظامی کردن اوکراین؛ (2) آن را غیرنازی کردن؛ و (3) بازگرداندن بی طرفی قانون اساسی کشور «اوکراین»، در میان سایر اهداف تکمیلی و غیررسمی. یکی هم همه پرسشی سپتامبر 2022 و سپس هدف رسمی حذف نیروهای اوکراینی را از کل چهار منطقه ای که روسیه اکنون ادعا می کند متعلق به او یعنی روسیه است، از جمله مناطق خرسون و زاپروژییه در طرف دیگر دنیپر را اضافه کرد که چالش برانگیز خواهد بود.

در عین حال، **پوتین** بارها از تشدید تنش متقابل در پاسخ به تحریکات فاحش اوکراین مانند بمباران کرملین، سیستم های هشدار اولیه، فرودگاه های استراتژیک، پالایشگاه های نفت، و ساختمان های مسکونی و غیره امتناع کرده است. از کنترل خارج شدن زیرا هر چقدر هم که این رویکرد مسئول است، اشکال این است که این تصور را ایجاد کرد که او

یعنی پوتین ممکن است عبور از "خطوط قرمز" بیشتری را بپذیرد، از جمله حضور نیروهای متعارف غربی/ناتو را در اوکراین.

بنابراین، بیزاری پوتین از تشدید تنش ممکن است توسط ترامپ مورد سوء استفاده قرار گیرد، که طبق گزارش‌ها، طرحی در ژوئن به او تحویل داده شد که به او توصیه می‌کرد در صورت امتناع روسیه از هر توافق صلحی که او پیشنهاد می‌کند، به او هر چه می‌خواهد بدهد، در نتیجه احتمال زیاد مداخله متعارف غرب/ناتو برای توقف قاطعانه وجود دارد. درگیری سوابق ترامپ یا سابقه ترامپ در «تشدید برای کاهش تنش» با کره شمالی و ایران نشان می‌دهد که او این طرح را علیه روسیه نیز انجام خواهد داد، بنا براین چرا باید این سناریو را جدی بگیرد.

به شرطی که پوتین فاقد اراده سیاسی برای خطر تشدید تنش بی‌سابقه با هدف قرار دادن نیروهای متعارف غربی/ناتو باشد، و رفتار او تا کنون در پاسخ به سایر تحریک‌ها نشان می‌دهد که واقعاً چنین است، پس او باید با در نظر داشت شرایط زمان به رقابت بپردازد. که به حداکثر اهداف خود برسد. هنوز مدتی طول می‌کشد تا ایالات متحده بتواند ذینفعان کلیدی مانند لهستان را که «69» درصد از مردم با اعزام نیرو به اوکراین با هر ظرفیتی مخالف هستند، جذب کند، بنابراین احتمالاً تا اواسط ژانویه این اتفاق نخواهد افتاد.

در هر صورت، روسیه دیگر زمان فرضی نامحدودی مانند قبل ندارد تا:

1) غیرنظامی کردن اوکراین؛

2) آن را غیرنازی کردن؛

3) بی‌طرفی قانون اساسی خود را بازگرداند.

و 4) نیروهای اوکراینی را از کل چهار منطقه ای که روسیه اکنون ادعا می‌کند متعلق به خود است، از جمله مناطقی در سراسر دنیپر حذف کند. اگرچه پویایی نظامی-استراتژیک درگیری به نفع آن است و تصرف پوکروفسک می‌تواند به دستاوردهای بزرگی در دونتسک منجر شود، دستیابی به همه این اهداف تا زمان وقوع مداخله بسیار دشوار خواهد بود.

برای توضیح به ترتیبی که به آنها اشاره شد، ابتدا قرار بود اوکراین پس از موفقیت سریع عملیات ویژه در مرحله اولیه آن غیرنظامی شود، اما بریتانیا و لهستان (که اکثر ناظران از نقش آنها اطلاعی ندارند) را **زنسکی** را متقاعد کردند که این کار را بیهوده کند. پیش‌نویس پیمان صلح بهار 2022. این سند توانایی‌های نظامی آن را تا حد زیادی کاهش می‌داد، اما تصور اینکه او با این امر موافقت کند، دیگر واقع بینانه نیست، به خصوص پس از اینکه ده‌ها میلیارد دلار تسلیحات ناتو به او داده شد.

"پیمان امنیتی" ایالات متحده با رژیم کیف: عضویت اوکراین در نا تو دیگر مورد توجه قرار نمی گیرد. جنگ جهانی سوم می تواند از طریق محاسبه اشتباه رخ دهد.

همچنین بعید است که **نا تو** با درخواست مجدد آنها موافقت کند، زیرا این تصور (صرف نظر از صحت آن) این است که اوکراین باید بتواند روسیه را از شروع مجدد درگیری پس از پایان نهایی "منصرف" کند. تسخیر سریع افغانستان توسط طالبان پس از عقب نشینی بی رحمانه و ناسنجیده **بایدن** از آنجا به شدت مورد انتقاد ترامپ قرار گرفت، **ترامپی** که در صورت موافقت با «غیر نظامی کردن» اوکراین به عنوان یک بازنده بزرگ تر در تاریخ ثبت می شود و سپس پوتین اگر به این بازی خود ادامه میداد در تاریخ به عنوان یک احمق نامیده می شد. پس به هر صورت راه و یا طریق عملی آن مدتی بعد مثمرواقع می شد از اینکه تنها روسیه می تواند غیرنظامی سازی اوکراین را در شرایط امروزی اجرا کند، کنترل هر چه بیشتر قلمرو آن کشور تا اطمینان حاصل شود که هیچ سلاح تهدیدکننده ای در آنجا مستقر نیست.

با این حال، مشکل این است که روسیه بعید است که کنترل نظامی بر تمام اوکراین، یا حتی بخش های قابل توجهی از قلمرو خود در شرق دنیپر در مجاورت مرز بین المللی شناخته شده بین المللی که گلوله های کی یف هنوز به طور مرتب از آن عبور می کنند، تا زمان یک غرب به دست آورد.

/ مداخله **نا تو** یکی از دلایلی که چرا مرحله افتتاحیه عملیات ویژه منجر به پایان دادن به مناقشه بر اساس شرایط روسیه نشد این است که غرب به **زنسکی** از گسترش بیش از حد لجستیک نظامی خود اطلاع داد و در نتیجه او را تشویق کرد که از آن برای عقب راندن آن مانند آنچه در نهایت انجام داد سوء استفاده کند. با توجه به محتاط بودن یک رهبر **پوتین**، بعید است که یک بار دیگر با دستور تکرار همین استراتژی مخاطره آمیز رفتاری غیر عادی انجام دهد، حتی اگر خطوط مقدم سقوط کند و روسیه بتواند به مناطق دیگر نفوذ کند.

یکی دیگر از چالش های پیش بینی نشده ای که روسیه در مرحله افتتاحیه عملیات ویژه تجربه کرد، در واقع در اختیار داشتن قلمرو وسیعی بود که به طور اسمی تحت کنترل اش بود. دخا یر مخفی **جا ولین و استینگر اوکراین** به اندازه کافی در پشت خطوط روسیه تلفات وارد کرد تا عقب نشینی گسترده ای را که مصادف با شکست مذاکرات صلح بهار 2022 بود، ایجاد کند. همچنین دشواری آشکار تصرف سریع شهرهای بزرگ مانند خارکف، سومی و زاپوروزیه وجود دارد که هنوز اتفاق نیفتاده است.

با حرکت به سمت دومین هدف حداکثری روسیه برای غیرنظامی کردن اوکراین پس از توضیح اینکه دستیا بی به اولین هدف غیرنظامی کردن آن چقدر سخت خواهد بود، این نیز نمی تواند بدون توافق سیاسی که پس از دست رفتن چنین شانسی دیگر در شرایط

امروز واقع بینانه نیست، موفق شود. در بهار 2022. آنچه روسیه در نظر دارد این است که اوکراین قوانینی را منتشر می کند که با این اهداف مطابقت دارد، مانند ممنوعیت تمجید از فاشیست های دوران جنگ جهانی دوم و لغو محدودیت ها بر حقوق روس های قومی.

زلنسکی دیگر دلیلی ندارد که مانند اوایل سال 2022 با این موضوع کنار بیاید و به نظر می رسد تیم ترامپ چندان به این موضوع اهمیت نمی دهد. بنا بر این مشخص نیست که روسیه چگونه می تواند قبل از مداخله **غرب / ناتو** به این هدف دست یابد، مگر در سناریوی غیر محتمل انقلاب رنگی و/یا کودتای نظامی دوستانه روسیه، که ایالات متحده هیچ کدام از آنها را نمی پذیرد، و احتمالاً هر دوی آنها منجر به موارد فوق می شوند. مداخله از روی ناامیدی برای نجات "پروژه اوکراین".

سومین هدف حداکثری با زگرداندن بی طرفی اوکراین در قانون اساسی نسبتاً محتمل تر است، اما با این وجود در این مرحله قابل بحث است، زیرا مجموعه ضمانت های امنیتی که از ابتدای سال جاری تاکنون با کشورهای **ناتو** برقرار کرده است، عملاً به حمایت از **ماده 5** ادامه می دهد. برخلاف تصور رایج، این بند اعزام نیرو را موظف نمی کند، بلکه فقط برای هر کشوری با ید هر کاری را که برای کمک به متحدان تحت حمله مناسب می داند، انجام دهد. کمک های نظامی موجود آنها به اوکراین با این موضوع مطابقت دارد.

بنابراین وادار کردن اوکراین به لغو اصلاحیه قانون اساسی «۲۰۱۹» که عضویت در ناتو را به یک هدف استراتژیک تبدیل می کند، امتیازی سطحی به روسیه از سوی ایالات متحده خواهد بود تا طرح صلح ترامپ را برای پوتین کمتر تلخ کند. مانند دو هدف حداکثری قبلی، **زلنسکی** هیچ دلیلی برای اجابت خواسته های **پوتین** در این زمینه ندارد، زیرا نیروهای **پوتین** در موقعیتی نیستند که این را به او تحمیل کنند، بنابراین این امر به طور واقع بینانه تنها در صورتی می تواند انجام شود که ترامپ به او دستور دهد.

همانطور که خواننده احتمالاً قبلاً متوجه شده است، موضوع رایج این است که ناتوانی روسیه در وادار کردن نظامی **زلنسکی** به پیروی از حداکثر اهداف خود، احتمال دستیابی به آنها را تا حد زیادی کاهش می دهد، که در مورد نهایی یعنی به دست آوردن کنترل بر همه موارد نیز صادق است. سرزمین مناطق جدید آن غیر قابل تصور است که **زلنسکی** به عنوان مثال، زاپوروژیه با بیش از «700 هزار نفر جمعیت را به طور داوطلبانه واگذار کند، یا اینکه **ترامپ** ظلم غربی ها را که به دنبال وادار کردن او به این کار در پی خواهد بود، بپذیرد.

همین امر در مورد اجازه دادن به روسیه برای عبور از دنیپر برای به دست آوردن کنترل بر مناطق آن منطقه و منطقه خرسون در طرف دیگر صدق می کند، بنا بر این این فرصت را برای روسیه ایجاد می کند تا در آینده نیروهای خود را در آنجا برای حمله برق آسا به دشت های غربی اوکراین در این صورت ایجاد کند. درگیری پس از پایان یافتن

مجدداً شعله ور می‌شود. هیچ راهی وجود ندارد که **ترامپ** هرگز چنین هدیه نظامی- استراتژیک ارزشمندی را به **پوتین** بدهد، بنابراین حامیان روسیه نباید خود را فریب دهند و امیدشان را به این فکر کنند که این اتفاق خواهد افتاد.

تنها راهی که روسیه می‌تواند قبل از ورود نیروهای **غربی/ ناتو** به اوکراین به عنوان نیروهای حافظ صلح به حداکثر اهداف خود دست یابد، از طریق ابزارهای نظامی است که مستلزم یک حمله چند جانبه دیگر در مقیاس وسیع است که مشخصه روزهای اولیه عملیات ویژه بود. با این حال، حتی در آن زمان نیز، خطر زیاد گسترش بیش از حد تدارکات نظامی خود، کمین شدن توسط استیونگرها/جاولین ها، و در نتیجه به خطر افتادن هزینه های شهرت و حتی ضررهای زمینی، باقی خواهد ماند.

به این ترتیب، واقعاً تنها سه گزینه برای روسیه باقی مانده است: **(1)** تشدید تنش ها قبل از ورود نیروهای **غربی/ ناتو** به اوکراین و یا مجبور کردن **زنسکی** به موافقت با این خواسته ها یا تصرف و نگهداری زمین های کافی برای غیرنظامی کردن هر چه بیشتر کشور. **(2)** تشدید پس از آن که آنها در معرض خطر جرقه زدن یک بحران حاشیه ای شبیه به کوبا هستند که می‌تواند به جنگ جهانی سوم کشیده شود. **(3)** عمل انجام شده را در توقف درگیری در طول خط تماس بپذیرید و بر این اساس مردم را آماده کنید.

مشخص نیست **پوتین** کدام گزینه را انتخاب خواهد کرد زیرا او هنوز ترجیحی برای هیچ یک از آنها نشان نداده است. با این وجود، به موقع است که از **الکساندر گورچاکف**، وزیر خارجه روسیه در قرن نوزدهم، نقل قول کنیم که معروف گفته بود «روسیه غمگین نیست. او دارد خودش را می‌سازد.» روسیه می‌داند که قبل از اینکه **ترامپ** احتمالاً به نیروهای حافظ صلح غربی/ناتو دستور ورود به اوکراین را بدهد، ساعت برای دستیابی به حداکثر اهداف خود در حال تپش است. کرملین فعلاً ساکت است، دقیقاً به این دلیل که سیاست گذاران هنوز تصمیم نگرفته اند که چه کاری انجام دهند. *

: سطری چند درمورد نویسنده این مقاله

اندرو کوربیکو یک تحلیلگر سیاسی آمریکایی مستقر در مسکو است که متخصص در رابطه بین استراتژی ایالات متحده در آفریقا-اوراسیا، چشم انداز جهانی یک کمر بند یک جاده چین برای اتصال جاده ابریشم جدید و جنگ ترکیبی است. او یک مشارکت منظم است

----- **با تقدیم احترامات «2024-11-15»**